

گفت و گوی اختصاصی «سلامت» با دکتر محمدرضا سرگلزایی، روان‌پزشک، درباره خصوصیات متولدین ماه‌های مختلف سال

آیا ماه تولد بر شخصیت افراد تاثیر دارد؟



■ مرجان
یشایایی

فال و طالع‌بینی خرافه است یا باوری که بر مبنای اصولی ناشناخته پایه‌گذاری شده؟ هر چه هست، امروز بازار طالع‌بینان و فالگیرها حسابی داغ است و افرادی هستند که آینده خود یا حتی دیگران را بر اساس گفته‌های فلان پیشگو یا طالع‌بین می‌بینند و سایت‌های مختلف در فضای مجازی، پر از طالع‌بینی‌ها و پیشگویی‌های ماه تولد هستند که خوانندگان فراوانی هم دارد. با دکتر محمدرضا سرگلزایی، روان‌پزشک، درباره این پدیده به گفت‌وگو نشستیم.

سلامت: شما متولد چه ماهی هستید؟
آبان ماه

سلامت: آبان‌ماهی‌ها چه ویژگی‌های دارند؟
ویژگی خاص‌شان این است که در فاصله مهر و آذر به دنیا آمده‌اند.

سلامت: منظورم ویژگی‌های فردی مربوط به متولدین هر ماهی است.

بستگی به این دارد که شما چه نوع پاسخی بخواهید، پاسخ غیرعلمی بخواهید یا پاسخی از منظر روان‌پزشکی و روان‌شناسی. اگر به دنبال علم هستید، باید بگویم من هنوز هیچ پژوهش علمی که اثبات کند بین ماه تولد و ویژگی‌های شخصیتی پیوندی وجود دارد ندیده‌ام، نه در درسام‌های روان‌پزشکی و نه در آرای نظریه‌پردازان شخصیت، چیزی به نام ارتباط ماه تولد و شخصیت وجود ندارد.

سلامت: اگر موضوع را این طور ببینیم که هورمون‌های مادر در زمان تشکیل لطفه به نوعی در شخصیت کودک آینده تاثیر خواهند داشت و این هورمون‌ها به درجاتی تحت تاثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرند، باز هم نمی‌توانیم بگویم، ماهی که فرد در آن به دنیا آمده، می‌تواند تا حدودی ویژگی‌های خاصی را در او ایجاد کند؟ شاید بشود گفت شرایط اقلیمی روی هورمون‌ها و هورمون‌ها روی شخصیت تاثیر دارند، همین را می‌توان در قالب ماه‌های سرد و ماه‌های گرم یا فصل‌های پر نور یا فصل‌های کم‌نور سال مطرح کرد.

بله، وقتی درباره نور صحبت می‌کنیم، می‌شود درباره ارتباط نور یا طول روز یا سرما یا گرما یا تغذیه با بدن و بعد هم ارتباط بدن با شخصیت صحبت کرد اما وقتی صحبت از ماه آبان می‌شود، بین متولد اول و دوم آبان با متولد ۲۹ و ۳۰مهر، تفاوت محیطی در نور و حرارت و طول روز وجود ندارد، همین‌طور بین اول و دوم آذر با ۲۹ آبان و ۳۰ آبان هم تفاوت اقلیمی خاصی دیده نمی‌شود. بنابراین، چیزی که شما می‌گویید امری نسبی است، در حالی که وقتی صحبت از ارتباط شخصیت با ماه خاصی می‌شود، این مرزها قطعی می‌شوند؛ یعنی آبان‌ماهی‌ها با آذرماهی‌ها متفاوتند، فارغ از وضعیت نور و آب و هوا. به علاوه، اقلیم هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است، مثلا اقلیم ایران با آلمان تفاوت دارد، در حالی که آنها که به طالع‌بینی ماه‌ها عقیده دارند، همه آبان‌ماهی‌ها را در هر جای کره زمین متولد شده باشند، دارای خصوصیاتی مشترک می‌دانند؛ مثلا نمی‌گویند آبانی‌های کویری این‌طورند و آبانی‌های کوهستانی‌طور دیگر، یا آبانی‌های نیمکره شمالی این‌طورند و آبانی‌های نیمکره جنوبی‌طور دیگر.

سلامت: پس چرا در سنت‌های کهن اینقدر این اعتقاد ریشه‌دار است؟

برای پاسخ به پرسش شما، باید کمی به تاریخ رجوع کنیم. می‌دانید که در فرهنگ‌های کهن، اعتقاد به چندخدایی بوده. اعتقاد داشتند هر کدام از ماه‌ها متعلق به یکی از خدایان هستند یا اعتقاد داشتند هر کدام از کواکب یا سیارات متعلق به یکی از خدایان هستند و با توجه به موقعیت سیارات و کواکب نسبت به زمین، هر کدام از این خدایان می‌توانند بر اتفاقی که در زمین می‌گذرد، تاثیر بگذارند. در نتیجه، اعتقاد مربوط به طالع‌بینی مربوط به ماه تولد، در واقع ریشه در پرستش چندخدایی دارد. افراد معتقد به الهیات چندخدایی با توجه به باورشان درباره تاثیر خدایان متعدد بر سرنوشت زمین و ماه‌ها نیازی به شواهد علمی ندارند و این یک گفتمان دینی است، نه گفتمان علمی و نمی‌توان با شواهد علمی با باورهای دینی گفت‌وگو کرد. مبنای اعتقادات

دینی ایمان و تعلق است، نه شواهد و مستندات. به این ترتیب، باور به طالع‌بینی ماه‌های تولد در واقع در زیرمجموعه باورهای دینی قرار می‌گیرد.

سلامت: موضوع این است که بر اساس تجربه شخصی، اگر نگویم همه، اما تعدادی از خصوصیات که برای ماه‌های مختلف قابل می‌شوند، با واقعیت مطابقت دارد. در این باره چه می‌گویید؟

اگر طالع‌بینی‌های ماه‌های تولد را در کتاب‌های مربوط یا در مجلات نگاه کنید، متوجه می‌شوید خصوصیات که در آنها مطرح شده، اغلب سنجش‌ناپذیرند یعنی شما مقیاس و متری برای سنجش آنها ندارید.

مثلا نمی‌گویند آبان‌ماهی‌ها اغلب زن هستند و مهر ماهی‌ها اغلب مرد، چون مرد و زن را می‌توان تشخیص داد و شمرد. یا نمی‌بینید که بگویند بهمن ماهی‌ها از تیر ماهی‌ها قدبلندتر یا چاق‌ترند چون اینها هم خصوصیاتی هستند که می‌توان اندازه گرفت و ابطال‌پذیرند.

اما وقتی صحبت از این می‌کنند که فروردین‌ماهی‌ها خلاقند یا مثلا آبان‌ماهی‌ها مهربانند، متر و معیاری برای اندازه‌گیری خلاقیت یا مهربانی وجود ندارد. همه مردم بعضی وقت‌ها مهربان هستند و برخی مواقع هر کسی خلاقیت‌هایی دارد.

برحتم‌ترین دیکتاتورها هم نسبت به بستگان خودشان مهربانند. به عبارت دیگر این ادعاها و گزاره‌ها را نمی‌شود رد کرد، چون همیشه برای اثبات آنها دلایلی پیدا می‌شوند.

جالب اینکه در بسیاری از طالع‌بینی‌ها نکته‌های متضاد وجود دارند. مثلا می‌گویند آبانی‌ها اغلب ثروتمند هستند، اما در ادامه می‌گویند گروهی از آبانی‌ها هم به مسائل معنوی علاقه‌مندند و خیلی به مسائل مادی توجه نشان نمی‌دهند و ثروتشان غیرمادی است!

به این ترتیب همیشه درون طالع‌بینی، توجیهی برای موارد نقض آن طالع‌بینی هم پیش‌بینی می‌شود. یا مثلا می‌نویسند آبانی‌ها مهربانند، مگر اینکه با روی دشمنان بگذارند! یعنی در واقع فضایی برای استثناها باز می‌شوند.

بنابراین، وقتی شما مجموعه‌ای از صفات را پیش می‌کشید که اولاً سنجش‌ناپذیرند و ثانیاً موارد متناقضی در درون خود دارند که پیشاپیش توجیه‌شان کرده‌اند، عجیب نیست که با توجه به نیاز روانی انسان‌ها برای اینکه بتوانند زندگی را قابل پیش‌بینی کنند اینقدر راحت با گزاره‌های طالع‌بینی‌ها ارتباط بگیرند. انسان‌ها تمایل به این دارند که ایمان داشته باشند و باور کنند تا اینکه شک کنند و مورد سوال قرار دهند چون باور کردن حال ما را خوب می‌کند و شک کردن حال ما را بد می‌کند.

اگر بعد از ایجاد یک رابطه به قصد ازدواج، برای محک زدن شخص یا رابطه پیش یک روان‌شناس بروید تا با استفاده از روش‌های علمی یک مسیر برای رابطه مشخص کند، هرگز از او یک پیش‌بینی قطعی نمی‌شنوید، چون هر تست و آزمونی درجه‌ای از خطا دارد اما طالع‌بین‌ها برای شما پاسخ قطعی دارند. وقتی درباره چیزی شک دارید، دنبال جواب قطعی می‌گردید، نه جوابی با درصدی از قطعیت. در نتیجه کتابی که به شما جواب قطعی می‌دهد، حتماً بهترین برایتان ایجاد می‌کند تا مشاوره‌ای که اغلب پاسخ‌های شما را با عبارت «بستگی دارد...» شروع می‌کند.

به این ترتیب شک شما در مشورت با یک کارشناس برطرف نمی‌شود و ما انسان‌های خسته از اما و اگرها و تردید و ناشناخته‌ها، ترجیح می‌دهیم سراغ مرجعی برویم که می‌تواند به ما اطمینان خاطر بدهد.

سلامت: درباره خصوصیات ظاهری نظر تان چیست؟ طالع‌بینی‌هایی را می‌بینیم که به درستی قیافه متولدین ماه‌ها را برپایان توصیف می‌کنند.

این نوع طالع‌بینی‌ها هم فقط در جغرافیای آشنای ما معنی دارند، و وقتی به جغرافیای دیگری می‌روید که خصوصیات ظاهری مردم با ما متفاوت است، معنا و اعتبار خود را از دست می‌دهند.

مثلا امکان بسیار کمی دارد که خصوصیات ظاهری من متولد سیستان با یک آبان‌ماهی متولد دانمارک یکسان باشد.

سلامت: گفتید طالع‌بینی اطمینانی را که از نظر روانی به آن نیاز داریم، به ما می‌دهد. می‌توانیم درباره فال هم همین را بگوییم؟ بگذارید مثالی برایتان بزنم. اگر یک بچه از پدر و مادر خودش پرسد بچه‌ها از کجا می‌آیند و پدر و مادر هم در جواب بگویند لک لک‌ها بچه‌ها را می‌آورند، بچه قانع می‌شود چون جواب خود را گرفته، حتی اگر این جواب اشتباه باشد. اگر بخواهیم جواب درست را به بچه بدهیم، باید درباره فیزیولوژی و مراحل پیچیده و مفصل تولید مثل برای او صحبت کنیم.

طبیعی است که بچه جواب ما را نمی‌فهمد و از آن قانع نمی‌شود، هرچند که پاسخ درست را به سوال او داده باشیم. یک آدم بزرگسال هم که به اندازه کافی ورزش فکری نکرده و حوصله شنیدن و فکر کردن درباره مسائل پیچیده را ندارد، همین وضعیت را دارد.

اگر بگویید شخصیت هر کس به ناقلان عصبی مغز آن آدم بستگی دارد، آن فرد باید بیوشیمی و آناتومی بداند.

اگر بخواهید درباره ژنتیک صحبت کنید، باید مولکول و سلول را بشناسد. اگر بخواهید درباره تاثیر دوران بارداری بر شخصیت افراد بحث کنید، طرف شما باید دست‌کم اندکی جنین‌شناسی بداند تا بتواند وقتی جواب درست و علمی را می‌شنود، برایش معنی داشته باشد و بتواند آن را درک کند اما وقتی می‌گویید متولد آبان، مفهوم ساده و قابل‌فهمی است.

می‌خواهم بگویم درست است که سن ما بالا می‌رود اما اگر معزمان را به چالش نکشیم، مانند همان کودک فکر می‌کنیم. به همین

دلیل، میلیون‌ها انسان بزرگسال و به ظاهر عاقل تمایل دارند قصه‌هایی را درباره جهان و انسان باور کنند که در حد قصه آوردن بچه‌ها توسط لک لک‌هاست!

به همان اندازه بدون شواهد و پشتوانه علمی و استدلال منطقی اما برای انسان‌ها راحت‌تر است تا جواب سر راست و ساده را هرچند کودکانه و غیرواقعی باور کنند. بنابراین، برای بسیاری از ما راحت‌تر است که به قصه‌ها ایمان بیابوریم تا شواهدی که بر اساس سنجش و آمار به دست آمده‌اند را بشنومیم چون برای فهم داده‌های علمی مغز ما باید دانش پیچیده را بشناسد و تلاش کند.

سلامت: فرض کنید، آقا یا خانمی برای شما فال می‌گیرد. چرا بعضی حرف‌های آنها درست درمی‌آید؟ بعضی حرف‌های کلی آنها ممکن است با واقعیات زندگی شما و هرکس دیگر بخواند.

سلامت: فرض کنید، آقا یا خانمی برای شما فال می‌گیرد. چرا بعضی حرف‌های آنها درست درمی‌آید؟ بعضی حرف‌های کلی آنها ممکن است با واقعیات زندگی شما و هرکس دیگر بخواند.

سلامت: نظر تان درباره جزئیات درست فال چیست؟
می‌توانیم یک پژوهش آماری روی فال انجام دهیم که مثلا از ۱۰۰ جمله‌ای که یک فالگیر برای شما می‌گوید، چند جمله آن حاوی جزئیات دقیق و قابل سنجش است. فکر نکنم تعداد زیادی باشند. اینکه من یک عدد ۷ در زندگی تو می‌بینم و ۷ وعده بعد برای شما اتفاقی می‌افتد، معلوم نیست آن ۷ وعده ۷ روز است یا ۷ هفته یا ۷ ماه! پس می‌بینیم که در فال حتی یک صحبت دقیق مثل عدد ۷ به یک مفهوم غیردقیق مانند وعده گره می‌خورد.

سلامت: آدم‌ها معمولا گرفتار چالش‌های مشترک هستند، مثلا اغلب در سنین خاصی دغدغه‌های مشترک دارند، می‌توانیم درست بودن برخی پیشگویی‌ها را به این چالش‌ها و گرفتاری‌های مشترک ربط بدهیم؟

بله، دقیقا، وقتی شما وارد اتاق فالگیر می‌شوید مثلا برای فال قهوه، او فقط ته فنجان شما را نگاه نمی‌کند. نوع راه رفتن و نگاه و نشستن یا به اصطلاح «زبان بدن» شما و همین‌طور سن و لهجه و کفش و لباس‌تان، اطلاعات بسیاری می‌دهند که گویای خیلی چیزها درباره شخصیت و گرفتاری‌ها و دغدغه‌های شماست.

آدمی که با دقت به اینها نگاه می‌کند، قبل از نگاه کردن به فنجان قهوه یا کف دست شما به اطلاعات زیادی دست یافته است. افرادی که می‌توانند با کلام خود مردم دیگر را تحت تاثیر قرار دهند، آدم‌های

باهوشی هستند و می‌توانند با دقت رفتار و حرکات و سوالات شما را هم رصد کنند و بر همان مبنای شما صحبت می‌کنند، نه بر مبنای آنچه در فنجان یا کف دست شما دیده‌اند.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای کنیم، وقتی نتیجه آزمایش خون یا نوار قلب‌تان را به پزشکتان نشان می‌دهید، تشخیص و درمان آن بر اساس همان اعدادی است که روی برگه می‌خواند، نه لباس و لهجه و زبان‌بدن شما، یعنی اینجا پزشک واقعا به اطلاعات روی برگه نگاه کرده، ولی فال‌بین اطلاعاتش را از ته فنجان شما یا خطوط کف دستتان کسب نمی‌کند.

اگر به یک آدم بزرگسال که به اندازه کافی ورزش فکری نکرده و حوصله شنیدن و فکر کردن درباره مسائل پیچیده را ندارد، بگویید شخصیت هر کس به ناقلین عصبی مغز آن آدم بستگی دارد، آن فرد باید بیوشیمی و آناتومی بداند، اگر بخواهید درباره ژنتیک صحبت کنید، باید ملکول و سلول را بشناسد. اگر بخواهید درباره تاثیر دوران بارداری بر شخصیت افراد بحث کنید، طرف شما باید دستکم اندکی جنین‌شناسی بداند تا جواب درست و علمی برایش معنی داشته باشد، اما وقتی می‌گویید متولد آبان، مفهوم ساده و قابل‌فهمی است که فرد می‌تواند بدون فکر کردن زود بپذیرد.



هذیان یک باور محکم است که با استدلال منطقی ایجاد نشده، با استدلال منطقی هم از بین نمی‌رود و زمینه فرهنگی هم ندارد. پس در پاسخ به سوال شما، باور به هر چیزی ماندن نسبی عدد ۱۳ یا شفاف‌بخشی فلان درخت یا باور به ویژگی‌های خاص ماه‌های تولد، هیچ کدام به خودی خود بیمارگونه نیستند، مگر اینکه ببینیم فرد با استدلال منطقی به این باور نرسیده، با استدلال منطقی هم از بین نمی‌رود و زمینه فرهنگی هم ندارد.

سلامت: استدلال منطقی عرفی یعنی چه؟
مثلا اینکه ما حرف فردی را که به لیاقت عقلی و علمی او ایمان داریم، به عنوان دلیلی برای قبول یک باور می‌آوریم که البته همین جا باید بگویم که در حوزه تفکر نقاد، اعتماد ما به افراد در حوزه تجربه و امور عرفی یا این دنیایی معقول است و نه اموری که با هیچ تجربه‌ای امکان آزمون آن وجود ندارد.

باوری هذیانی است که با استدلال منطقی ایجاد نشده و با استدلال منطقی هم از بین نمی‌رود و اما شرط سوم مبتنی بر باورها و بستر فرهنگی است. به این معنی که این باورها را باید در بسترهای فرهنگی خود در نظر گرفت. اغلب اعتقادات و آیین‌ها را در خارج از بستر فرهنگی خودش می‌توان به چالش کشید و بسیاری راهم رد کرد. در صورتی که آبان‌باورها در بستر فرهنگی خود یک هنجار پذیرفته شده‌اند و عقلای آن بستر فرهنگی هم آنها را بدون نقد می‌پذیرند.

مثلا بسیاری از مناسکی که برای پیروان یک دین عادی و حتی ضروری است، برای پیروان دین دیگر عجیب یا حتی مسخره است ولی ما این وابستگی به بسترهای فرهنگی را حتی اگر ریشه‌های منطقی نداشته باشند، علامت مشکلات روانی نمی‌دانیم. به همین دلیل، وقتی فردی عضو خرده فرهنگی است، باورهایی که از نظر اخلاقی یا منطقی بی‌پایه به نظر بیایند ولی تمام اعضای آن مذهب و مکتب آن را پذیرفته‌اند نمی‌توان بر اساس چنین باوری فرد را دچار وهم یا هذیان دانست.

برای اینکه اعتقاد به طالع‌بینی حالت مرضی پیدا کند، شروطی که در بالا گفتم باید همگی در یک فرد دیده شوند. البته عرض من این نیست که همه فرهنگ‌ها، فرقه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها جایگاه اخلاقی و عقلانی برابری دارند، خیر، هرچند بیشتر مردم، باوری را بدون استدلال بپذیرند یا آیینی غیراخلاقی داشته باشند، قبح عقلانی و اخلاقی آن باور و آیین مرتفع نمی‌شود ولی برجسب علامت مرضی یا اختلال روان‌پزشکی را نمی‌توان بر فرهنگ‌ها و آیین‌ها الصاق کرد. ■